

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
	بخش اول: تاریخ ادبیات عصر غزنوی
۵	فصل اول: دورنمای تاریخی
۵	تأسیس حکومت غزنوی
۶	قدرت یافتن محمود
۶	بسط قلمرو محمود
۷	جنگ‌های محمود در هند
۹	ویژگی‌های محمود
۱۱	درگذشت محمود و سلطنت مسعود
۱۲	دوره دوم حکومت غزنویان
۱۴	فصل دوم: ادبیات در عصر غزنوی
۱۴	محمود غزنوی و شاعران
۱۸	انتقاد ناصر خسرو از ثناگستران
۱۹	کسادبازار مدیحه‌سرایی
۱۹	آداب ایرانی در شعر این دوره
۲۲	فصل سوم: شاعران مورد بحث ما
۲۲	۱. عنصری بلخی
۲۶	۲. فرخی سیستانی
۳۰	۳. منوچهری دامغانی
۳۶	۴. مسعود سعد سلمان
۴۴	فصل چهارم: کتاب‌شناسی و معرفی برخی از منابع
۴۴	الف) منابع عمومی
۴۸	ب) منابع اختصاصی

بخش دوم: اشعار شاعران (همراه با شرح)

۵۵	فصل اول: عنصری
۵۵	۱. سده جشن ملوک نامدارست
۶۴	۲. نگر به لاله و طبع بهار رنگ پذیر
۷۴	۳. رامش افزای باد و نیک اختر
۷۹	۴. چُنین نماید شمشیر خسروان آثار
۸۷	۵. اگر چه کار خرد عبرت است سرتاسر
۹۲	۶. مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال
۱۰۱	۷. خدایگان خراسان و آفتاب کمال
۱۱۶	۸. نوروز بزرگ آمد آرایش عالم
۱۲۰	۹. توانگری و بزرگی و کام دل به جهان
۱۳۲	۱۰. همی روم به مراد و همی زیم به امان
۱۳۹	فصل دوم: فرخی سیستانی
۱۳۹	۱۱. بر آمد پیلگون ابری ز روی نیلگون دریا
۱۴۸	۱۲. نیلگون پرده بر کشید هوا
۱۵۳	۱۳. من ندانم که عاشقی چه بلاست
۱۵۷	۱۴. هر که بود از یمین دولت شاد
۱۶۱	۱۵. فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر
۱۸۳	۱۶. شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار
۱۹۴	۱۷. چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار
۲۰۶	۱۸. ای ندیمان شهریار جهان
۲۱۱	۱۹. با کاروان خله برفتم ز سیستان
۲۱۸	۲۰. دل من همی داد گفتمی گواهی
۲۲۴	فصل سوم: منوچهری دامغانی
۲۲۴	۲۱. نوبهار آمد و آورد گل و یاسمنا
۲۲۹	۲۲. بر لشکر زمستان نوروز نامدار
۲۴۲	۲۳. هنگام بهارست و جهان چون بُت فرخار
۲۵۲	۲۴. الا یا خیمگی! خیمه فرو هیل
۲۶۴	۲۵. ای نهاده بر میان فرق جان خویشتن
۲۸۲	۲۶. شبی گیسو فروهشته به دامن
۲۹۵	۲۷. حاسدان بر من حسد کردند و من فردم چنین

صفحه	عنوان
۳۰۵	۲۸. گاهِ توبه کردن آمد از مدایح وز هجی
۳۱۱	۲۹. نوروز، روزگار مُجَدِّد کُند همی
۳۱۸	۳۰. نوروز روزگارِ نشاطست و ایمنی
۳۲۲	۳۱. آمد نوروز هم از بامداد
۳۲۹	۳۲. سبحان الله جهان نینی چون شد
۳۳۶	۳۳. آمد بهارِ خرم و آورد خرمی
۳۴۷	فصل چهارم: مسعود سعد سلمان
۳۴۷	۳۴. چون نای بینوایم از این نای بینوا
۳۵۹	۳۵. خردم بسود گردش چرخ چو آسیا
۳۶۴	۳۶. این چنین رنج کز زمانه مراست
۳۶۸	۳۷. تا کی دل خسته در گمان بندم؟
۳۷۵	۳۸. تیر و تیغ است بر دل و جگرم
۳۷۹	۳۹. اوصافِ جهان سخت نیک دانم
۳۸۵	۴۰. از کرده خویشان پشیمانم
۳۹۵	۴۱. مقصور شد مصالح کار جهانیان
۴۰۵	۴۲. ای سرد و گرم دهر کشیده
۴۱۰	۴۳. نالم ز دل چو نای من اندر حصارِ نای
۴۱۵	منابع
۴۱۹	راهنمای شرح

پیشگفتار

در تغییرات اخیر برنامه‌های درسی در رشته زبان و ادب پارسی، درسی پیش‌بینی شده است با نام «شاعران حوزه ادبی خراسان» و در آن تدریس و تحلیل شعر چهار شاعر منتسب به دربار دوره نخست و دوم غزنوی پیشنهاد شده است؛ اینان عبارت‌اند از: عنصری، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی و مسعود سعد. صرف نظر از اینکه عنوان درس دقیق است یا نه و طیف مؤلف آن است که کتابی پردازد واجد شرایط زیرین:

۱. مطابق برنامه سرفصل درس باشد؛

۲. وجه تحلیلی و آموزشی آن قوی باشد؛

۳. راهنمای کار مدرس باشد، بی آنکه او را از مطالعه بی‌نیاز کند؛

۴. برای دانشجویان جنبه آموزشی داشته باشد، بی آنکه آنان از حضور در کلاس درس

و مشارکت در گفت و شنود کلاسی احساس بی‌نیازی کنند؛

۵. حس کنجکاوی دانشجویان را در متن خوانی برانگیزد.

نگارنده این سطور کوشیده است با معیارهای مذکور این مجموعه را فراهم کند اما

اینکه تا چه میزان توفیق یافته است داوری با خوانندگان گرامی است.

معمولاً در تدوین این گونه کتاب‌ها مؤلفان رعایت سرفصل را ضروری نمی‌بینند بلکه

تعداد سطور و ابیات متن را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که با میزانی از نوسان بتوان آن را در

یک نیمسال تحصیلی تدریس کرد. ما در این مجموعه چنین نکرده‌ایم و مطابق سرفصل درس

ده قصیده از عنصری، ده قصیده از فرخی، ده قصیده و سه مسقط از منوچهری و ده قصیده از

مسعود سعد سلمان^۱ برگزیده‌ایم یعنی در مجموع چهل و سه قصیده و مسقط همراه با

توضیحات. نگارنده بر آن بود که از چهار شاعر مذکور و نیز از دیگر شاعران منتسب به دربار

غزنه اشعاری بی‌شرح برگزیند اما به سبب طولانی شدن مباحث از آن چشم پوشید.

۱. در سرفصل، شعر مسعود سعد پانزده قصیده است و ما برای پرهیز از افزایش حجم کتاب به ده قصیده اکتفا کردیم.

ویژگی‌های دیگر این مجموعه این‌هاست:

- هیچ قصیده یا مسمطی را کوتاه نکرده‌ایم. می‌دانیم که خواندن قصیده‌ای در ستایش فلان شخصیت ترک یا تاجیک قرن پنجم برای دانشجویان امروزی به یقین ناخوشایند است همچنان که برای ما نیز خوشایند نیست، اما باید دانست که این‌ها - هرچه هست و با همه مبالغه‌های ناروایی که ممکن است در آن‌ها باشد - بخشی از ادبیات ماست و اگر بپذیریم که ادبیات پدیده‌ای است تاریخی و بر بستر زمان پدید می‌آید و ضرورت‌ها در ایجاد آن مؤثر است هیچ موضوعی و مفهومی را از آن طرد نمی‌توان کرد؛ بلکه می‌توان با معیارهای تاریخی نقد کرد. در این نقد و بررسی نمی‌توانیم فرخی سیستانی و ستایش‌های او را - مثلاً - با معیارهای امروزی بسنجیم زیرا امروز دیگر است و هزار سال پیش دیگر بوده است. نقد تاریخ و فرهنگ گذشته ما ضرورت دارد و در این نقد هیچ پدیده‌ای را نباید از نظر دور داشت حتی اگر به معیارهای امروزی ما را خوش نیاید.

- کوشیده‌ایم که پیش از ذکر قصیده، توضیحی کوتاه در باب کلیت آن بیاوریم و در پایان آن را شرح کنیم. در شرح بر معنی کردن بیت پای نشرده‌ایم. در موارد لزوم به مفهوم و منظور کلی اشارت کرده‌ایم اما در توضیح مفردات اندکی راه تفصیل پوییده‌ایم. اینکه به کدام جزئیات توجه شده است با خواندن شرح برای خواننده مشخص می‌شود اما این شیوه را براساس تجربه بیش از چهل سال در مطالعه و تدریس متن برگزیده‌ایم. معمولاً فارغ‌التحصیلان ما از نظر اطلاع و اشراف بر واژه‌ها و بحث‌های پیرامون آن ضعیف‌اند و مقصر ما معلمانی که در تدریس به اشارات کلی بسنده می‌کنیم و ذهن دانشجویان را به جزئیات هدایت نمی‌کنیم و کنجکاوی آنان را بر نمی‌انگیزیم. واژه‌ها ساختار و تاریخ و هویت دارند و کسی که متن تدریس می‌کند یا مطالعه می‌کند به ناچار باید به این موارد توجه داشته باشد و البته توجه به این‌گونه موارد دلیل بر بی‌توجهی به وجوه دیگر در متن خوانی نیست.

- معنی واژه‌ها از فرهنگ‌های متداول چون فرهنگ فارسی محمد معین و ناظم‌الاطباء و لغت‌نامه دهخدا و سخن به ویراستاری حسن انوری و امثال این‌ها و ریشه‌شناسی واژه‌ها از حاشیه‌های برهان قاطع (تصحیح محمد معین) و فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی تألیف محمد حسن دوست استخراج شده است. برای رعایت اختصار در بیشتر موارد از ذکر این‌گونه منبع‌ها خودداری شده است اما در مواردی که لازم دیده‌ایم منبع توضیح را ذکر کرده‌ایم.

- هر واژه یا ترکیب یا تعبیر را در نخستین شعری که آمده است توضیح داده‌ایم و هر گاه که در سایر اشعار تکرار شده است، نه تنها توضیح را تکرار نکرده‌ایم بلکه رعایت اختصار

را ارجاع هم نداده‌ایم؛ اما بر مبنای نخستین توضیح آن را در راهنمای شرح فهرست کرده‌ایم. گروهی از این گونه موارد را در متن اشعار با ستاره نشان داده‌ایم. جایگاه شرح را از طریق فهرست راهنما می‌توان دریافت.

- چون غرض از خواندن متن تنها توجه به مفردات نیست و تحلیل آن از نظر زیبایی‌شناسی و محتوا نیز اهمیت خاص دارد برخی از این نکته‌ها را ضمن شرح آورده‌ایم اما در آغاز در بحثی تفصیلی به چهار مطلب پرداخته‌ایم:

۱. چون پیوند تاریخ و ادبیات پیوندی است ناگسستنی، آنکه ادبیات را به دید تحلیل تاریخی و اجتماعی می‌نگرد از آموختن تاریخ بی‌نیاز نیست به همین سبب در بخشی از این مبحث دورنمایی از تاریخ غزنویان به دست داده‌ایم.

۲. بخش دیگر دورنمایی است از ادبیات در عصر غزنوی.

۳. در باب چهار شاعر مورد نظر جداگانه مطالبی آمده است. هدف از این بخش آن است که خواننده با ذهنی آماده متن‌های انتخابی را بخواند.

۴. برای اینکه خوانندگان گرامی با منابع مطالعه آشنایی بیشتری پیدا کنند و در صورت نیاز و علاقه بتوانند در باب موضوع این کتاب بیشتر مطالعه کنند مجموعه‌ای از کتاب‌ها را معرفی کرده‌ایم.

- در انتخاب قصیده‌ها و مسمط‌ها معیارهایی چون شهرت و اهمیت و زیبایی در نظر گرفته شده است. مجموعه اشعار هر شاعر یک‌دست نیست و فراز و نشیب دارد. کوشیده‌ایم تا اشعار انتخابی بیانگر ویژگی‌های ادبیات دوره و نماینده فکر و شخصیت و سبک سخن‌سرایی شاعر باشد.

- حجم این مجموعه افزون‌تر از کتاب‌های مشابه آن است؛ اما این امکان را برای همکاران گرامی فراهم کرده است که از هر کجا که بخواهند و به هر میزان که لازم بدانند تدریس کنند یا مطالعه بخش‌هایی را بر عهده دانشجویان بگذارند.

معروف است که بشر جایز الخطاست. بسیار کوشیده‌ایم که خطا نکنیم؛ اما در اینکه چقدر رؤسید شده‌ایم، نمی‌دانیم. داوری با شماست. اگر به خطایی برخوردید شگفت‌زده نشوید. به مؤلف اطلاع بدهید در چاپ‌های بعد به نام خودتان ثبت خواهد شد.

اکنون که کار پایان یافته و این مقدمه را می‌نویسم رئیس سازمان سمت دکتر احمدی روی در نقاب خاک کشیده است. روانش شاد باد و یادش جاودان. سپاسگزاری از ایشان و رئیس محترم کنونی سازمان و مدیر سابق گروه ادبیات فارسی آقای دکتر هاجری و مدیر

کنونی آقای دکتر موسوی راد و دوستان گرامی آقایان دکتر عبدالرسول شاکری و دکتر فؤاد مولودی بر نگارنده فرض است. هریک از نامبردگان در مراحل در پیشبرد مقدمات کار کوشیده‌اند و مهم‌تر از همه پشتیبان بوده‌اند و مشوق.

آقای دکتر عبدالرسول فروتن متن را پیش از چاپ به دقت خوانده‌اند و مواردی را متذکر شده‌اند. سعی ایشان در پیراستگی متن مشکور است.

همسرم سرکار خانم مهرناز لاجوردی آسایش و آرزوهای خود را فدای مشغولیت‌های این بنده کرده است و اگر شکیبایی وی نباشد این کارها به سرانجام نمی‌رسد. از نامبرده نیز سپاسگزارم.

برای همگان تندرستی و شادی و توفیق آرزو می‌کنم.

محمد غلامرضایی

استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی

تهران - بهار ۱۴۰۰